

## شلاق، پاسخ داود رفیعی برای درخواست مدنی بازگشت به کار! امیر جواهری لنگرودی



۷۴ ضربه شلاق برگردانی کارگر اخراجی داود رفیعی؛ این است رأفت و عدالت دستگاه قضایی در حاکمیت ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران!

انتشار تصویر رد خونین شلاق‌ها بر پشت نحیف کارگر، امروز و در سطح شبکه‌های اجتماعی از داود رفیعی، مرد سال ساخته است. کافی است نام "داود رفیعی" را در گوگل جستجو کنید و آنگاه نفرت مردم را که تاوان این عمل سراسر ننگین و ضد تاریخی نظام در ماه آذر است، را ببینید. از منظر جامعه و جنبش آزادی‌خواهی ایران در داخل و خارج از کشور، این جنایت قرون وسطایی به نشانه‌ی انتقام سخت آمران و عاملان جمهوری اسلامی بر بدن کارگر مبارز پارس خودرو، که تنها به دلیل فعالیت صنفی و در اعتراض به حکم اخراجش صورت گرفته است، نفرت و خشم همگان را برانگیخته است.

در ایران امروز و در شرایط سخت کرونایی که رژیم به بهانه‌ی رودرویی با ویروس کووید ۱۹ هر سازکاری را از نیروهای مطالبه‌گر جامعه، نشانه‌ی پیشروی و دهن کجی به بی عملی و بی برنامه‌ی خود می‌شمارد، و در برابر موج فزاینده‌ی خشم و نفرت مردم که هر حکمی بر پیکره‌ی کارگران و زحمتکشان، بازنشستگان، معلمان، فعالان زن و دانشجویان، اقلیت‌های ملی و دینی را از بازداشت، زندان، شکنجه و نهایت صدور حکم شلاق، با بیم از این‌که به اوج‌گیری اعتراضات نیانجامد، برای ایجاد رعب و وحشت در

جامعه صادر می‌کند؛ بی‌خبر از آن‌که این احکام خود به مثابه بنزین بر آتش، خشم مردم را شعله‌ورتر کرده است.

کارگری که آشکارا و استوار با پلاکادری خطاطی شده در برابر درب ورودی وزارتخانه می‌ایستد و فریاد بر می‌آورد: «علی برکته الله؛ پیشنهاد رشوه ۲۰۰ میلیون تومانی وزیر کار به اینجانب داود رفیعی» جرمش این بود که اصرار هویدا می‌کرد!

کودک خردسال او در کنار پدر بانگ بر می‌دارد: «بابا نان ندارد. وزیر بی‌کفایت، مایه ننگ ملت» این کودک به نیکی دریافته است که وزرای بی‌کفایتی که مایه ننگ ملت‌اند، اینگونه‌اند! و داود رفیعی نیز سرافرازانه بانگ بر می‌دارد: «وزیر کارفرما، حق منو پس بدین». امروز، وزیر دیروزی این وزارتخانه علی‌ربیعی که پس از واداشته شدن به استعفاء و دوره‌ای استراحت کوتاه مدت، به مقامی ارجح‌تر در دولت حسن روحانی دست یافت و سخنگویش گردید؛ بعد از جاری شدن حکم شلاق بر گردهی کارگر اخراجی و خواهان بازگشت بر سرکار، به هر دری می‌زند تا خود را موجه و مصلح کارگران نشان دهد و ادعا نماید من شاکی این پرونده نبودم، بلکه شکایت خود را با صدور نامه‌ای - ریاست محترم شعبه ۳۹ دادگاه تجدید نظر استان - پس گرفتم. ربیعی در نامه‌ی منتصب به خود در تاریخ ۲۸ فروردین ۹۸ اعلام نوشته: «بدین وسیله گذشت قطعی منجز و غیر قابل عدول خویش نسبت به متهم پرونده را اعلام می‌نمایم و هیچگونه ادعایی علیه متهم موصوفه اعم از حقوقی، جزایی و ضرر و زیان در آن مورد نداشته و ندارم و از دادگاه محترم تقاضای صدور قرار قانونی را با عنایت به (غیر قابل مسموع بودن عدول از گذشت) دارم.» جناب وزیر با این نامه دوره افتاده و آقایان صالح نیکبخت و عبدی را وکیل در توکیل خود معرفی می‌نماید که من شاکی پرونده نیستم و این دستگاه عدالت پرور اسلامی‌ست که سر خود شلاق زده، نه من به عنوان شاکی و وزیر کار سابق و سخنگوی امروز دولت روحانی!

شلاق برگردهی کارگر، نماد دستگاه قضایی‌ست در برابر بحران‌های موجود تنها و تنها به قصد انتقام از کارگری جسور که برای حق خواهی خود همواره ایستاده و فریاد بر می‌دارد که باید بر سر کار خویش بازگردم و هیچ‌کس و هیچ چیز مانع ایستادگی‌ام نخواهد شد.

شلاق را به جان می‌گیرم ولی از حق‌ام نمی‌گذرم. همراهان او در سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای هفت تپه و در سیمای اسماعیل بخشی و محمود صالحی بانگ بر می‌دارند: «در کنارت هستیم» و بخشی، چهره‌ی خوش آوازه‌ی اخراجی نیشکر هفت تپه می‌نویسد: «این تن شلاق خورده که می‌بینید، فقط تن داود رفیعی نیست. این تن شلاق خورده‌ی تمام کارگران ایران است. کارگر با رنج و مشقت تولید می‌کند،

زالو سودش را می‌برد، زالو اختلاس می‌کند، کارگر شلاقش را می‌خورد. طعم شیرین عدالت، شلاق بر تن کارگران است.» محمود صالحی کارگر شناخته شده‌ی جنبش اتحادیه‌ای ایران در فیسبوکش می‌نویسد: «... داود جان در حقیقت اجرای این احکام قرون وسطایی تنها در حق تو نبود؛ بلکه اجرای این احکام ضد بشری علیه تمام کارگران ایران و جهان بود. داود جان ما کارگران ایران ضمن محکوم کردن این احکام ضد انسانی، هیچ وقت این بی‌احترامی به خود و طبقه‌ی کارگر را فراموش نخواهیم کرد و آن را در حافظه‌ی خود ثبت می‌کنیم.»

کانال تلگرامی سندیکای شرکت و احد اتوبوسرانی تهران و حومه می‌نویسد: «... متأسفانه این اولین باری نیست که پاسخ حق خواهی و مطالبه‌گری کارگران را با شلاق و زندان و تهدید و اذیت و آزار پاسخ می‌دهند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه احکام قرون وسطایی شلاق برای کارگران زحمت کش و حق‌خواه را شدیداً محکوم می‌کند و اعلام می‌دارد با شلاق و زندان و اخراج و دیگر انواع فشار علیه فعالین کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، هرگز نمی‌توانید صدای اعتراضات کارگران را خاموش کنید.»

باری امروز همه‌ی نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و همه‌ی فعالان عرصه‌ی کار و کارگر و مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان و طرفدار حقوق بشر که خود را در برابر صدور احکام و اقدامات ضد انسانی جمهوری اسلامی مسئول می‌بینند، آن‌را به‌شدت محکوم می‌کنند و خواهان اعاده‌ی حیثیت، بازگرداندن کارگر اخراجی داود رفیعی بر سر کار و پرداخت خسارت لازم بر جسم و جان او و خانواده‌اش می‌باشند و صدور حکم شلاق این فرمان عصر شتر چرانی و بربریت را قویاً محکوم می‌نمایند.

بر همه‌ی آزادی‌خواهان و انسان‌های شریف است که به هر زبان و با هر وسیله و در هر رسانه‌ای که در اختیار دارند، با انتشار تصویر پیکر شلاق‌خورده‌ی داود رفیعی را منتشر و با افشاگری درباره‌ی این مجازات علیه کارگران، آن‌را محکوم کنیم.

**روزشمار کارگری هفته شماره ۳۶ را از سایت روزشمار کارگری، لینک زیر می‌توانید دنبال کنید!**

<http://karegari.com/maghalat/2020/12/04/Roozshomar%20kargari%2036AmiR.pdf>